



چشم‌انداز تمدن

• سهیلا شکری

- درآمدی بر تاریخ تمدن
- نویسنده: ویل و آریل دورانت
- مترجم: احمد بطحایی
- سازمان انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵

پس از تحصیلات مقدماتی در آموزشگاه‌های محلی، در سال ۱۹۰۷م. لیسانس خویش را از دانشکده سنت پیتر در جرزسیتی دریافت کرد.^۲ تدریس وی در آموزشگاه انارشیست‌های فرمردن نیویورک و آشنایی‌اش با خانم آیدا کافمن، که از شاگردانش بود، به ازدواج آنها منتهی شد. ویل این خانم را «پک» و سپس «آریل» نامید. این ازدواج از نقاط عطف زندگی ویل دورانت محسوب می‌شود؛ زیرا خانم آریل در اجرای طرح تألیف تاریخ تمدن و به‌ویژه در تحقیق و تألیف تاریخ تمدن از جلد ۷ هفت به بعد، با همسرش همکاری داشته است.^۳ نقطه عطف دیگری که در زندگی ویل دورانت ایجاد شد، سفر وی به مهم‌ترین مراکز تمدنی شرق و آشنایی‌اش با مظاهر و بقایای آن تمدن‌ها بود، هدف وی از این سفرها، تهیه مطالب و منابع برای تألیف «تاریخ تمدن» بود.^۴ وی برای اینکه با فراغ خاطر و گستردگی وقت، به این کار بپردازد، از دانشگاه کناره‌گیری کرد.^۵

نگاهی اجمالی به یازده جلد تاریخ تمدن: (خشایار دیهیمی) خشایار دیهیمی یازده جلد تاریخ تمدن را با ذکر عنوان هر جلد، عناوین کتاب‌های آن جلد، مترجمان و ویراستاران هر کتاب معرفی می‌کند. وی همچنین توضیحاتی درباره محتوای هر جلد و خصوصیات بارز آنها و فهرست مطالب هر جلد را آورده است.

اسامی جلدهای یازده‌گانه تاریخ تمدن به شرح زیر است:

- ۱- مشرق زمین گاهواره تمدن (میراث شرق ما) شامل (مقدمه، پیدایش تمدن)، کتاب اول (خاور نزدیک)، کتاب دوم (هند و همسایگی)، کتاب سوم (خاور دور)؛^۶
- ۲- یونان باستان (حیات نوین) شامل: (کتاب اول (پیش آمد

کتاب «درآمدی بر تاریخ تمدن»، همان‌گونه که از نامش پیداست، پیش‌درآمدی است بر کتاب تاریخ تمدن اثر ویل دورانت که آگاهی بر آن، پیش از مطالعه کتاب تاریخ تمدن، خالی از فایده نیست.

این کتاب توسط سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی منتشر و از چهار بخش تشکیل شده است. بخش اول مقدمه عمومی به قلم محمود مصاحب، بخش دوم زندگی دورانت (یعنی ویل و همسرش آریل دورانت) به قلم احمد بطحایی، بخش سوم نگاهی اجمالی به یازده جلد تاریخ تمدن که توسط خشایار دیهیمی تنظیم شده و بخش چهارم، که بخش اصلی کتاب است، توسط ویل و آریل دورانت و با نام «درس‌های تاریخ» به نگارش درآمده است.

در ابتدای کتاب، ۱۱ جلد تاریخ تمدن با ذکر عناوین آنها و مترجمان و ویراستاران و دیگر عوامل اجرایی معرفی شده‌اند.

مقدمه عمومی: (به قلم محمود مصاحب) محمود مصاحب، در مقدمه، کتاب را معرفی می‌کند و از روند ترجمه و ویرایش کتاب می‌گوید. در قسمت پایانی این مقدمه، مطلبی با عنوان «تاریخ تمدن از زبان ویل دورانت» آورده است. ویل دورانت هدف خویش را از تألیف «تاریخ تمدن» آوردن تاریخی با حداقل جا و حداکثر مطالب آن هم به شکل یکپارچه، علمی، ترکیبی و تحلیلی بیان می‌کند.^۱

زندگی‌نامه دورانت: (به قلم احمد بطحایی) احمد بطحایی، به طور اجمال، زندگی‌نامه ویل و آریل دورانت را بررسی می‌کند. ویل دورانت که در سال ۱۸۸۵م. در نورث آدامز ماساچوست به دنیا آمد، در سال ۱۹۸۱، در لوس‌آنجلس درگذشت. وی

**دورانت تاریخ را بخشی از زیست‌شناسی
تلقی می‌کند و عقیده دارد که حیات و تحولات
زندگی انسان نیز مانند سازواره‌های خشکی
و دریاهاست و به همین جهت، از قوانین
زیست‌شناسی چون تنازع بقا و تکامل تبعیت
می‌کند. هم‌چنین تاریخ از نظر او، درس‌هایی
از زیست‌شناسی می‌گیرد. درس‌هایی چون
رقابت، انتخاب و زاینده‌گی**

مقدمه کوتاهی از ویل و آریل دورانت آمده است. آنان دربارهٔ این رساله و آخرین اقدامات و نوشته‌هایشان بعد از اتمام جلد یازده تاریخ تمدن، سخن می‌گویند.^{۱۸} حال مروری بر این بخش، که قسمت پایانی کتاب «درآمدی بر تاریخ تمدن» و در واقع اصلی‌ترین بخش آن است، خواهیم داشت:

تأملات: در این بخش، نویسندگان سوالاتی درباره ابهامات و مباحث مختلف مربوط به تألیف کتاب «تاریخ تمدن» مطرح می‌کنند؛ از جمله: این که اصولاً این پژوهش چه فایده‌ای داشته است؟ چه کاربردی در زندگی حال و آینده بشر می‌تواند داشته باشد؟ آنان چه میزان بر گذشته اشراف داشتند؟ و چه میزان به نوشته‌های مورخان گذشته می‌توان اعتماد کرد؟ سپس، می‌گویند که تاریخ‌نگاری نه یک علم، بلکه یک امر صنعتی، هنری و فلسفی است.^{۱۹}

تاریخ و کسره زمین: نویسندگان «درس‌های تاریخ»، در این بخش از مطالب خویش، تأثیر عوامل جغرافیایی در تشکیل تمدن بشری و برعکس، تأثیر آن عوامل در نابودی تمدن‌ها را بررسی کرده‌اند.^{۲۰} اما سرانجام توسعه صنعت و تکنولوژی بر عوامل جغرافیایی تفوق می‌یابد و تأثیرات آن را تحت الشعاع خویش قرار می‌دهد. انسان تمدن‌ساز است و نه زمین و عوامل جغرافیایی، چون انسان با استعداد و نبوغ سرشار خویش بر عوامل طبیعی غلبه می‌کند.^{۲۱}

زیست‌شناسی و تاریخ: ویل و آریل دورانت تاریخ را بخشی از زیست‌شناسی تلقی می‌کنند و عقیده دارند که حیات و تحولات زندگی انسان نیز مانند سازواره‌های خشکی و دریاهاست و به

اژه‌ای، (کتاب دوم (تکامل یونان)، کتاب سوم (عصر طلایی)، کتاب چهارم (انحطاط تمدن یونان)، کتاب پنجم (تجزیه یونان)؛^۷

۳- قیصر و مسیح شامل: مقدمه (منشأ)، کتاب اول (جمهوری)، کتاب دوم (انقلاب)، کتاب سوم (امارات)، کتاب چهارم (امپراطوری)، کتاب پنجم «شباب مسیحیت»؛^۸

۴- عصر ایمان شامل کتاب اول: (اوج اعتلای بیزانس)، کتاب دوم (تمدن اسلامی)، کتاب سوم (تمدن یهودی)، کتاب چهارم (عصر ظلمت)، کتاب پنجم «اوج مسیحیت»؛^۹

۵- رنسانس شامل: کتاب اول (پیش‌درآمد)، کتاب دوم (رنسانس فلورانس)، کتاب سوم (شکوه ایتالیا)، کتاب چهارم (رنسانس رومی)، کتاب پنجم (تبه‌روزی ایتالیا)، کتاب ششم (مؤخره)؛^{۱۰}

۶- اصلاح دینی شامل: کتاب اول (از ویکلیف تالوتر)، کتاب دوم (انقلاب دینی)، کتاب سوم (بیگانگان بر دروازه)، کتاب چهارم (پشت صحنه)، کتاب پنجم (اصلاحات کاتولیکی)؛^{۱۱}

۷- آغاز عصر خرد شامل: کتاب اول (وجد انگلستان)، کتاب دوم (ایتالیا در مبارزه بر سر قدرت)، کتاب سوم (آزمایش‌های خرد)؛^{۱۲}

۸- عصر لویی چهاردهم شامل: کتاب اول (اعتلای فرانسه)، کتاب دوم (انگلستان)، کتاب سوم (پیرامون)، کتاب چهارم (بلندپروازی‌هایی در عرصه اندیشه)، کتاب پنجم (فرانسه در برابر اروپا)؛^{۱۳}

۹- عصر پتر شامل: کتاب اول (انگلستان)، کتاب دوم (فرانسه)، کتاب سوم (اروپای مرکزی)، کتاب چهارم (پیشرفت دانش)، کتاب پنجم (حمله به مسیحیت)؛^{۱۴}

۱۰- روسو و انقلاب شامل: کتاب اول (پیش‌آمد)، کتاب دوم (فرانسه قبل از طوفان)، کتاب سوم (جنوب کاتولیک)، کتاب ششم (انگلستان جانسن)، کتاب هفتم (سقوط فرانسه فتودال)؛^{۱۵} این جلد در سال ۱۹۶۸م. جایزه پولیتزر را کسب کرد.^{۱۶}

۱۱- عصر ناپلئون شامل: کتاب اول (انقلاب فرانسه)، کتاب دوم (اعتلای ناپلئون)، کتاب سوم (بریتانیا)، کتاب چهارم (پادشاهان درگیر و دارستیز)، کتاب پنجم (پایان)؛^{۱۷}

«درس‌هایی تاریخ» دربارهٔ فلسفه تاریخ و نیز برخی از مکاتب جامعه‌شناسی مطرح در تاریخ است. بعد از فهرست مطالب،

انسان به آزادی علاقمند است و این آزادی باید با قواعدی همراه باشد تا جامعه دچار بی‌نظمی نشود و این امر وظیفه حکومت است

زوال یک تمدن ناشی از عواملی چون
خشک‌سالی، تغییر وسایل و یا راه‌های بازرگانی،
تضاد طبقاتی، جنگ‌های خارجی و سقوط
اخلاقیات در جامعه است. نابودی یک امر طبیعی
است اما تمدن‌ها کاملاً نابود نمی‌شوند و فقط
قالب آنها تغییر می‌کند و در سرزمین دیگری، با
قالبی دیگر گسترش می‌یابند

دینی و اجتماعی خویش، همکاری دین و دولت، اقتدار دین در
جامعه اروپای قرون وسطی و تأثیر کم‌رنگ دین در نابودی
برخی از رویه‌های غیراخلاقی چون برده‌داری و قوانین ظالمانه
و... سخن می‌گویند.^{۳۲}

سوسیالیسم و تاریخ: در این بخش، نویسندگان با توصیف
فعالیت‌های سرمایه‌داری در طول تاریخ، جریان سوسیالیستی
را در برخی از تمدن‌های بشری چون سومر، مصر، روم و چین
بررسی می‌کنند. از نظر ایشان، طولانی‌ترین نظام سوسیالیستی
در کشور پرو توسط اینکاها ایجاد شده است و بالاخره آن
سؤال مطرح در تاریخ را در لابه‌لای این مباحث گنجانده‌اند
که چرا سوسیالیسم در کشوری چون روسیه ظهور کرد؟ و پاسخ
می‌دهند که فقر چندین صد ساله روستایی و دشواری‌های عمیق
روشنگری عامل آن بود.^{۳۳}

حکومت و تاریخ: این مبحث این گونه آغاز می‌شود که انسان
به آزادی علاقمند است و این آزادی باید با قواعدی همراه
باشد تا جامعه دچار بی‌نظمی نشود و این امر وظیفه حکومت
است.^{۳۴} یک تصویر کلی از اشکال حکومت در طول تاریخ
ارائه می‌دهند و سپس، روند کلی حکومت‌های روم (از سلطنت
مطلقه، اولیگارشی تا دموکراسی) بیان می‌کنند و این بحث را
با موضوع انقلابات در تاریخ ادامه می‌دهند. ایشان یگانه انقلاب
واقعی را انقلابی می‌دانند که در جهت تنویر افکار و اصلاح رفتار
انسانی باشد. با گریز به یونان باستان، روند حکومت را در این
کشور هم بررسی و نقد می‌کنند.

تاریخ و جنگ: جنگ را از عناصر پایدار تاریخ قلمداد می‌کنند.
به طوری که حتی تمدن عالی و دموکراسی نیز نتوانسته است

همین جهت، از قوانین زیست‌شناسی چون تنازع بقا و تکامل
تبعیت می‌کند. هم‌چنین تاریخ از نظر آنان، درس‌هایی از زیست
شناسی می‌گیرد. درس‌هایی چون رقابت، انتخاب و زاینده‌گی.^{۳۲}
نژاد و تاریخ: نویسندگان، در ابتدا، دیدگاه‌های برخی از متفکرین
نژادپرست چون ژوزف آرتور دو گوینو، هوستن استوارت، واگنر
و... را مطرح می‌کنند؛ سپس با ذکر اشکالات آن نظریه‌ها به
نقد آن می‌پردازند.^{۳۳} آنان با اشاره به تأثیرپذیری تمدن غرب از
تمدن‌های شرقی^{۳۴}، نظریه تبعیض نژادی را مردود و تمدن را
حاصل تعاون جمعی انسان‌ها در مکان‌های مختلف می‌دانند.^{۳۵}

خلق و خوی و تاریخ: نویسندگان کتاب، با طرح پایه‌گذاری
جامعه بر سرشت انسان به بررسی تمایلات و احساسات بشری
می‌پردازند و غرایز را اصلی‌ترین تمایلات می‌دانند. آنان جدولی
از عناصر خلق و خوی انسان با شش گزینه مثبت و منفی
ترسیم می‌کنند؛^{۳۶} سپس این سؤال را مطرح می‌کنند که سرشت
انسان در طول تاریخ تا چه حد تغییر کرده است^{۳۷}؟ با بررسی
خصوصیات، غرایز و احساسات بشری، هیچ تغییری را در اصل
سرشت انسان نمی‌پذیرند و تغییر را منحصر به ابزارهای ارضای
تمایلات انسان می‌دانند و اخلاق و قانون را نیز ابزارهای کنترل
سرشت بشری می‌شمارند.^{۳۸}

اخلاق و تاریخ: نویسندگان، اخلاق را مجموعه قواعدی می‌دانند
که جامعه به وسیله آن از اعضای خویش رفتار سازگارانه با
نظم و امنیت جامعه می‌طلبد. قوانین اخلاقی قابل تغییر است
و قابلیت انطباق با شرایط تاریخی و محیطی را دارد؛ زیرا
مشخصه‌های اخلاقی انسان‌ها در مراحل مختلف زندگی بشر،
یعنی شکار، کشاورزی و صنعت متفاوت است^{۳۹} و بسیاری از
فضایل اخلاقی در مراحل مختلف زندگی بشر، نه فضیلت بلکه
رذیلت محسوب می‌شود. اوج این وضعیت در مرحله انقلاب
صنعتی است. نویسندگان تصویری از مسائل ضد اخلاقی جوامع
صنعتی اروپا و آمریکا در جنگ جهانی اول و دوم ارائه می‌دهند
و بر لزوم قوانین اخلاقی در جامعه بشری تأکید می‌کنند.^{۴۰}

دین و تاریخ: نویسندگان کتاب، مطالب این قسمت را با ستایش
از دین و نقش آن در کنترل نظم موجود در جامعه آغاز می‌کنند و
فلسفه وجودی دین را هراس انسان‌های اولیه از عوامل طبیعت
می‌دانند.^{۴۱} سپس، از سوء استفاده‌های پیشوایان دینی از موقعیت

نویسندگان کتاب، با طرح پایه‌گذاری جامعه بر سرشت انسان
به بررسی تمایلات و احساسات بشری می‌پردازند و غرایز را
اصلی‌ترین تمایلات می‌دانند

آن را از بین ببرد^{۳۵}. با مقایسه انسان و دولت، نتیجه می‌گیرند، همان‌گونه که غرور انسانی قدرت وی را افزایش می‌دهد، حس ناسیونالیستی نیز در جنگ میان قدرت‌ها، توان آنان را بالا می‌برد. پس از بررسی فلسفه جنگ در قرون وسطی و عصر جدید، در عصر جدید جنگ را مایه پیشرفت علم و تکنولوژی تلقی می‌کنند و در برخی مواقع جنگ را برای حفظ تمدن بشری لازم و مطلوب می‌دانند.

رشد و زوال: در این بخش، با ارائه تعریفی از تمدن که تمام عناصر زندگی اجتماعی را در برمی‌گیرد؛ این سؤال را مطرح می‌کنند که چرا در طول تاریخ به تمدن‌های نابودشده برخورد می‌کنیم؟ آیا برای رشد و زوال تمدن‌ها قواعدی وجود دارد؟ نویسندگان فرایند رشد و زوال تمدن‌ها را در تاریخ، به نقل از متفکرینی چون کنت دوسن سیمون و شپنگلر به توالی دوره‌های متناوب یک ارگانیک تشبیه می‌کنند و زوال یک تمدن را ناشی از عواملی چون خشک‌سالی، تغییر وسایل و یا راه‌های بازرگانی، تضاد طبقاتی، جنگ‌های خارجی و سقوط اخلاقیات در جامعه می‌دانند. به عقیده نویسندگان، نابودی یک امر طبیعی است اما تمدن‌ها کاملاً نابود نمی‌شوند و فقط قالب آنها تغییر می‌کند و در سرزمین دیگری، با قالبی دیگر گسترش می‌یابند^{۳۶}.

آخرین مطلب: آیا پیشرفت واقعیت دارد؟ این سؤال در مقابل طلوع و افول تمدن‌ها مطرح می‌شود. آیا تصور پیشرفت سست و بی‌بنیاد است؟ از آنجا که نویسندگان، پیش‌تر، برای سرشت انسان در طول تاریخ، تغییری اساسی قائل نشده‌اند، ترقی را صرفاً کشف و اختراع وسایل جدید در جهت رسیدن به تمایلات ثابت انسانی تلقی می‌کنند^{۳۷}.

پی‌نویس‌ها:

۱. دورانت، ویل و آریل؛ **درآمدی بر تاریخ تمدن**؛ ترجمه احمد بطحایی و خشایار دیهیمی؛ سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی؛ ۱۳۶۸؛ ص ۲۱.
۲. همان؛ ص ۲۹.
۳. همان؛ ص ۳۰.
۴. همان؛ صص ۳۱-۳۰.

۵. همان؛ ص ۳۲.
۶. همان؛ ص ۳۹.
۷. همان؛ ص ۴۸.
۸. همان؛ ص ۵۷.
۹. همان؛ ص ۶۷.
۱۰. همان؛ ص ۸۰.
۱۱. همان؛ ص ۹۱.
۱۲. همان؛ ص ۱۰۳.
۱۳. همان؛ ص ۱۱۳.
۱۴. همان؛ ص ۱۲۳.
۱۵. همان؛ ص ۱۳۳.
۱۶. همان؛ ص ۳۲.
۱۷. همان؛ ص ۱۴۵.
۱۸. همان؛ ص ۱۶۷.
۱۹. همان؛ ص ۱۷۰.
۲۰. همان؛ ص ۱۷۳.
۲۱. همان؛ ص ۱۷۵.
۲۲. همان؛ صص ۱۷۹-۱۷۶.
۲۳. همان؛ صص ۱۸۷-۱۸۴.
۲۴. همان؛ ص ۱۸۹.
۲۵. همان؛ ص ۱۹۱.
۲۶. همان؛ صص ۱۹۴-۱۹۲.
۲۷. همان؛ ص ۱۹۲.
۲۸. همان؛ صص ۱۹۶-۱۹۴.
۲۹. همان؛ ص ۱۹۷.
۳۰. همان؛ ص ۲۰۰.
۳۱. همان؛ ص ۲۰۴.
۳۲. همان؛ صص ۲۰۸-۲۰۵.
۳۳. همان؛ صص ۲۳۳-۲۲۳.
۳۴. همان؛ ص ۲۳۶.
۳۵. همان؛ ص ۲۴۹.
۳۶. همان؛ صص ۲۶۴-۲۵۶.
۳۷. همان؛ صص ۲۷۳-۲۶۵.